

COMSTech Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: *March 2021*

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

## روایت‌نما کمیت آیات قرآن در الکافی و نقش غلات در انتقال آن

سیدامیرالعباس موسوی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور

### چکیده

به اذعان حدیث پژوهان رخداد انتقال اخبار از مذهب و فرقه رقیب شیعه از مباحثی است که جوامع روایی شیعه در سیر تدوین خود از آن در امان نمانده‌اند. به نظر میرسد غلات و ضاعین حدیث توانسته‌اند با جعل و پخش روایات در میان منابع روایی شیعیان، خبر ناسره "کمیت آیات قرآن" را وارد کتاب الکافی نمایند. به گمان نویسندگان این نوشتار احمد بن محمد سیاری غالی المذهب از مهمترین کسانی است که توانست با تکیه بر قدرت حکومت طاهریان و استفاده از منصب دبیری حکام طاهری به ورود احادیث موضوعه سرعت ببخشد. او با نفوذ در دربار طاهریان و با جعل روایات تحریف قرآن و پراکندن آن در میان بزرگان امامیه گامی مهم در این راستا برداشت. از این رو درج روایت‌نما "کمیت آیات قرآن" در کتاب الکافی ریشه در مسائل حکومتی داشته است. برای درک بهتر این مسئله، تحقیق پیش‌رو می‌کوشد به بررسی خبر منقول "کمیت آیات قرآن" در منابع شیعی و شیوع آن در منابع روایی متأخر بپردازد و به مهمترین شواهد انتقال خبر معرفت تحریف قرآن در کتاب الکافی - با پی‌جویی ردپای سیاری غالی المذهب - اشاره نماید.

**واژگان کلیدی:** اخبار منتقله، الکافی، کمیت قرآن، سیاری



### طرح مسئله:

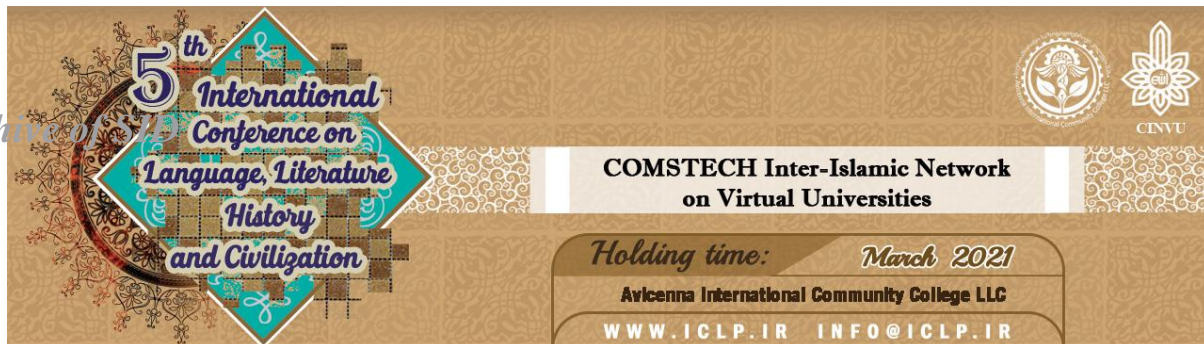
کتاب الکافی از معتبرترین کتب حدیثی قرن چهارم هجری است که از دیرباز ملجأ و مرجع دان شمندان و محققین قرار گرفته است. به اعتراف بزرگان، پیرایش احادیث و جستجو از صحت آن و نیز فضای صدور روایاتی اصالت ذاتی دارد و در قید زمان و مکان خاص نیست؛ بدین روی نیاز است از جهات گوناگون احادیث صحیح از سقیم الکافی شناسایی شده و به تدریج منقح و از عیوب پیراسته گردد. گفتنی است روایات نا ستواری در کتاب الکافی ذکر شده است. همواره علماء در اندیشه آن بوده اند تا وجهی برای انکار و یا توجیه آن دست از اخبار ارائه نمایند. اعم از آن تعداد اندکی از روایات الکافی است که ناظر به تحریف قرآن کریم بوده به همین جهت میان حدیث پژوهان مورد مناقشه و تحلیل قرار گرفته است. هدف از این نوشتار ارائه تحلیلی دیگر در عرض اقوال بزرگان، پیرامون روایت شناسنده تحریف قرآن در الکافی شریف است.

علامه عسکری اولین کسی است که اصطلاح «روایات منتقله» را به کار برد. پدیده روایات منتقله در قبال عمده روایاتی استفاده میشود که از لحاظ محتوایی به تحریف قرآن اشاره دارند- روایت نما کمیت آیات قرآن از آن موارد است- عالم معاصر علامه عسکری با طرح تعریفی نوین، از رخداد انتقال اخبار در میراث روایی شیعیان خبر داد. وی در راستای این مطلب چنین می نویسد:

«ما روایاتی را می یابیم که در باب تحریف قرآن به آنها استدلال شده است که این روایات در واقع از طرف روات مدرسه خلفاء بوده و در کتابهای حدیثی ایشان ثبت و ضبط می شد و جزء روایات مدرسه خلفاء شمرده می شود و آن چنان که برخی پنداشته اند اساساً روایت شیعی به شمار نمی روند بلکه تنها از کتب حدیثی مدرسه خلفاء به کتب حدیثی مدرسه اهل بیت منتقل می شده است. ما در بحث هایمان این نوع روایات را احادیث منتقله می نامیم» (عسکری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۴).

از دیگر دانشمندانی که به این پدیده به طور مستقل پرداخته آیت الله صالحی نجف آبادی است. وی پدیده روایات منتقله را از تفسیر سنی مذهب طبری تحلیل و گزارش نموده است. او معتقد است در تفسیر مجمع البیان روایتی ذکر شده است که به عنوان حدیث پذیرفته شده اند اما در حقیقت اینگونه نیست. (نجف آبادی، حدیث های خیالی در تفسیر مجمع، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

در جایی دیگر یکی از محققان تعریف موسعی از روایات منتقله ارائه کرده است: «در نگرشی کلی تر، میتوان اصطلاح منتقله را به سایر فرق اسلامی نیز تسری داد و تعریفی عام از آن ارائه نمود: سخنان، مرویات و آثاری که از یک دین یا فرقه به دین یا فرقه دیگر راه یافته و در موارد و منابعی، تلقی به قبول شده است» (ستار، ۱۳۹۳، مقدمه، ص ۲). در این مورد منظور از منتقله بودن روایت این است که روایتی از یک مذهب مانند اهل سنت به مذهب رقیب مثل شیعه انتقال یافته باشد. وجود قرآینی اعم از شباهت های صدور، لفظی و معنوی و نیز رسیدن به منابع مشترک این احتمال را در میراث روایی امامیه تقویت می کند. برای تعیین و مبدأ روایت نیاز است تا حد امکان به منبع اولیه ذکر روایت رجوع نمود و نیز تشابه سندی و متنی در منابع فریقین این احتمال را قوت می بخشد.



پژوهش پیش رو با م سئله برر سی شواهد انتقال روایت بحث برانگیز معرف تحریف قرآن در کتاب الف فضل القرآن الکافی باب النوادر نگارش یافته است. این روایت نما، قرآن کریم را شامل هفده هزار (۱۷۰۰۰) آیه بر می شمارد و صراحتاً بر تحریف و کاستی آیات بسیاری از قرآن تأکید میکند و چنین می نماید که عمده آياتی از قرآن ساقط شده و اکنون از دسترس ما خارج شده است. گفتنی است محدثین در برخورد با این روایت کنشهای متفاوتی داشته اند:

۱- برخی با بررسی سندی حکم بر ضعف سندی آن نموده و روایت را کنار گذاشته اند (نک: الوافی، المجلد التاسع، ج ۵، القسم الثالث، ص ۱۷۷۸).

۲- بعضی نیز با تحلیل سندی آن و با مراجعه به منابع رجالی حکم به صحت سندی حدیث داده اند و مناقشه را وارد متن حدیث نموده اند (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

۳- گروهی دیگر کوشیده اند با بررسی مفاد حدیث، این حدیث را به همین شکل پذیرفته و چاره اندیشی های دیگران را لحاظ نکرده و روایت را تأویل نموده اند (نک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

۴- گروهی دیگر نیز احتمال داده اند که علت بروز این ایراد از ناحیه استنساخ حدیث بوده و این نوع اشکالات نسخه برداری در متون روایی همواره رخ داده است (نک: شرح الاصول للمازندرانی، ج ۱۱، ص ۷۶) در صورتی که این تحلیل چندان راهگشا نخواهد بود چرا که نسخه روایتی که شیخ صدوق به عنوان محدث متأخر کلینی از آن بحث میکند دارای تعبیر «سبعة عشر الف آیه» است چنان که می گوید: «إنه قد نزل الوحي الذي ليس بقرآن، ما لو جمع إلى القرآن لكان مبلغه مقدار سبعة عشر ألف آية.» (اعتقادات امامیه، ص ۸۵؛ روضه المتقین، ج ۱۰، ص ۲۱) این مهم نشان می دهد شیخ صدوق رحمه الله دسترسی به روایت نما کمیت قرآن داشته است و همان را مورد استناد قرار داده است.

از سویی دیگر پذیرش روایت نما کمیت قرآن در الکافی کلینی تالی فاسدهای گوناگونی به دنبال دارد. ذکر خبر کمیت قرآن با اعتبار مبنایی شیخ کلینی که در نقل روایات داشته و در مقدمه الکافی به آن اشاره دارد، منافات دارد. افزون بر این عقل نیز پشتیبان همگی از روایات است که تحریف قرآن را امری مردود و غیر قابل پذیرش می دانند و همچنین تحریف قرآن با غرض رسالت حضرت ختمی مرتبت در اصطکاک بوده و ناقض غرض از نزول قرآن است. علاوه بر این، اعتبار روایات الکافی و اعتماد بزرگان به این کتاب نباید این گمان را برانگیزد که الکافی از هر گونه نقص مبرا است. با توجه به مطلب پیش گفته و از آنجا که غلات همواره در صدد درج جعلیات خویش در کتب روایی بوده اند، نمی توان احتمال آغشتگی برخی از کتب روایی پیشینیان به اعتقادات جریان انحرافی غلو را نفی کرد. این مهم از اموری است که کتب پیشینیان در مسیر تدوین کتب خویش از آن مصون نمانده و اخباری جعلی از غلات وارد میراث روایی شیعیان شده است. در اسناد کتب حدیثی پیشینیان افراد غالی المذهب وجود دارند مثلاً "حافظ رجب برسی متهم به غلو" (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۰).

راهکاری که تاکنون درباره "روایت نما کمیت آیات قرآن"<sup>۱</sup>، نزد حدیث پژوهان مطرح نشده است این است که احتمال دارد این روایت جزء روایت منتقله از فرقه رقیب امامیه (=غلات) به کتاب الکافی شریف باشد چرا که این خبر از لحاظ

<sup>۱</sup> تعبیر "روایت کمیت آیات قرآن" از مقاله استاد نجارزادگان با عنوان «بررسی و ارزیابی حدیث کمیت آیات قرآن در کتاب کافی» وام گرفته شده است.



محتوایی با مبانی امامیه در تضاد و همچنین موافق، همراستا و نزدیک به اقوال مذهب و رقبای امامیه بوده و با روایاتی که در کتب ایشان نقل شده، همخوانی دارد چراکه از غلات روایاتی که دال بر تحریف قرآن است نقل شده بل از اعتقادات غلات است. با توجه به آنچه در پیش بیان شد پژوهش پیش رو بر آن است که "روایت‌نما کمیت آیات قرآن" الکافی ثقه الاسلام کلینی بازکاوی شود و از حیث منتقله بودن و نقش غلات در این انتقال، مورد تحقیق و ارزیابی قرار گیرد تا بتوان احتمال تحریف قرآن را از الکافی شریف امامیه زدود.

### پیشینه پژوهش:

کاوش پیرامون روایات منتقله در میان بزرگان حدیث از تحقیقات نوظهور است. آنچه که برای نویسندگان این نوشتار حاصل آمد تنها علامه عسکری در کتاب "القرآن الکریم و الروایات المدرستین" و آیت الله صالحی نجف آبادی در کتاب "جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف" به این مقوله پرداخته اند. همچنین تاکنون مقالاتی نیز در این مورد به رشته تحریر در آمده است که از نظر می گذرانیم:

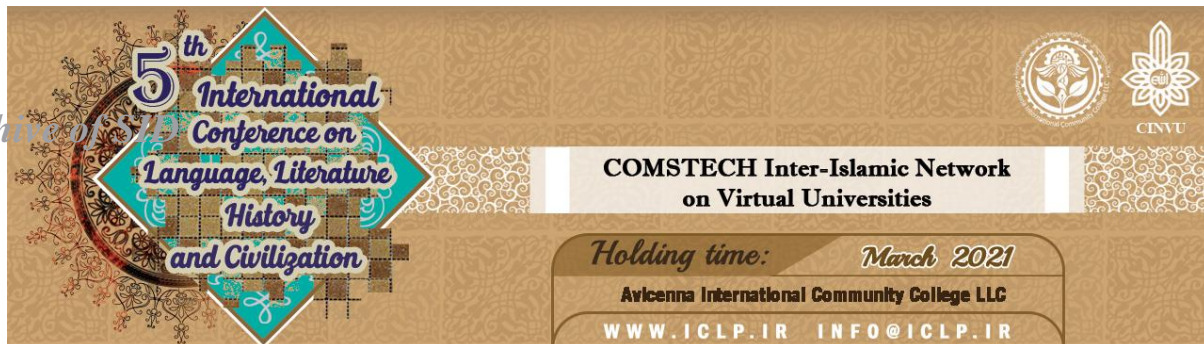
الف) مقاله با عنوان «درآمدی بر نقش غالبان در علوم قرآنی و تفسیر در حوزه عدم تحریف و تأویل آیات قرآن» نگاشته عبدالهادی فقهی زاده و همکاران. چاپ شده در فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث در سال ۱۳۹۱ می توان نام برد. در این مقاله نویسنده میگوید که در حوزه علوم قرآن و تفسیر پدیده غلو را از جهات متعددی مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق احادیث جعلی در حوزه غلو مورد اشاره و تحلیل قرار گرفته است و بر اثرات فعالیت غالبان در حوزه علوم قرآنی و تفسیر اشاره نموده است. از جمله نموده‌های این حضور را می توان در تأویلات ناصحیح و قول به تحریف قرآن کریم یافت.

گفتنی است پژوهش مذکور از زوایای گوناگونی با تحقیق پیش رو اختلاف دارد. از جمله در این تحقیق نگارنده این سطور کوشیده است تا شواهدی را گردآوری نماید که غلات چرا و چگونه توانستند به تبلیغ عقیده تحریف قرآن اقدام نمایند. از سوی دیگر ارتباط نقش غلات بویژه احمد بن محمد سیاری در پراکندن روایت کمیت آیات قرآن در کتاب الکافی کلینی مشخص خواهد شد. این مهم از موضوعاتی است که در این تحقیق مو شکافی شده و با تکیه بر شواهد پدیده انتقال اخبار و جعل حدیث از سوی این فرقه، بدان تأکید خواهد کرد.

ب) استاد سید رضا مؤدب از محققین معاصر و همکاران علمی خود، مقالات متعددی پیرامون احادیث منتقله نگاشته‌اند:

۱- تحلیل روایت منتقله ابن فحام در خصوص کاستی از آیه ۳۳ آل عمران در امالی شیخ طوسی. چاپ شده در فصلنامه حدیث پژوهی داز شگاه کا شان در شماره هفدهم سال ۱۳۹۶. وی در این پژوهش با بررسی شواهد انتقال خبر ابن فحام (کتاب امالی شیخ صدوق رحمه الله علیه) حکم به انتقال این خبر از مدرسه خلفا به مدرسه اهل بیت داده است.

۲- بررسی نقش روایت مشترک در اخبار منتقله (مطالعه موردی؛ جعابی از مشایخ صدوق). چاپ شده در فصلنامه حدیث پژوهی در شماره یازدهم سال ۱۳۹۳. نویسندگان این جستار با اشاره به نظریه خلط راویان مشترک در متن حدیث به عنوان یکی از زمینه‌های انتقال اخبار، از زاویه جدیدی به پدیده انتقال اخبار پرداخته‌اند. آنان با مطالعه مورد جعابی به عنوان شیخ حدیثی صدوق کوشیده‌اند شواهدی برای این ادعا بیابند.



۳- بررسی شواهد منتقله بودن و ناستواری روایت خنده حام بن نوح در تفسیر مجمع البیان. چاپ شده در مجله سفینه در سال ۱۳۹۵. گردآوران این پژوهش کوشیده اند با تنظیم شواهدی انتقال روایت خنده حام بن نوح را نشان دهند.

۴- بررسی منتقله بودن روایت ذبیح بودن اسحاق در تفسیر مجمع البیان. چاپ شده در پژوهشنامه قرآن و حدیث در سال ۱۳۹۴. به عقیده محققین این جستار یکی از مصادیق بارز روایات معروف به منتقله خبر ذبیح بودن اسحاق در تفسیر مجمع البیان است. انتقال این خبر از کتب اهل سنت به مجمع البیان موضوعی است که در این پژوهش بررسی شده است.

۵- بررسی شواهد منتقله بودن روایت سبعة احرف. چاپ شده در مجله لسان صدق در شماره دوم سال ۱۳۹۳. در این نوشتار شواهدی مبنی بر انتقال خبر نزول قرآن بر هفت حرف در میراث روایی شیعه ارائه شده است.

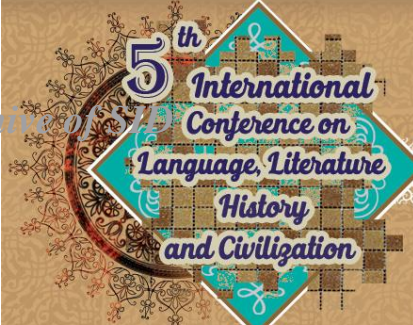
### ۱- روایت منتقله کمیت آیات قرآن در اصول الکافی

ثقه الاسلام کلینی در کتاب فضل القرآن، باب النوادر اصول الکافی روایتی در مورد تعداد آیات قرآن کریم نقل میکند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «علی بن الحکم عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان القرآن الذی جاء به جبرئیل علیه السلام الی محمد صلی الله علیه و آله سبعة عشر الف آیه» (کافی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳۴) سند ذکر شده در بدء النظر تا علی بن الحکم دارای انقطاع است اما با عنایت به سند روایت قبل می توان سند روایت را تا ثقه الاسلام کلینی متصل تلقی کرد (نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۱۱). باز سازی سند بدین صورت خواهد بود: «محمد بن عیسی عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام...».

با عنایت به روایت فوق امام صادق علیه السلام می فرماید: قرانی که حضرت جبرائیل بر رسول اکرم نازل فرمود دارای ۱۷۰۰۰ آیه است. منطوق کلام امام در حدیث تصریح دارد بر اینکه قرآنی که حقیقتاً بر قلب رسول اکرم نازل شده با قرآن فعلی موجود و حاضر دارای اختلاف بسیاری است و آیات کثیری از قرآن از دست رفته و دچار نقصان، حذف یا تحریف شده است. یعنی وقتی که قرآن بر رسول اکرم نازل میشده حدود ۱۰۷۶۴ آیه از آیات قرآن وجود داشته ولی بعدها به دلایلی این آیات از قرآن کریم حذف شده است. سوالی که مطرح میشود آن است که آیا این حدیث که در معتبرترین کتاب حدیثی امامیه ذکر شده بر تحریف قرآن دلالت دارد و مصاحف موجود فعلی با محتوای قرآن منزل بر رسول اکرم تفاوت دارد؟ آیا بخشی زیادی از آموزه ها و دستورات و مواظ و نصایح قرآن حذف شده است؟ آیا رسول اکرم و اهل بیت علیهم السلام با اطلاع از این چنین اتفاقی سکوت پیشه کرده و صرفاً به ذکر روایتی منفرد بسنده نموده اند؟ آیا امامیه معتقد به تحریف به نقصان است؟ و...

همانطور که بیان شد برای پاسخگویی به سوالات فوق برخی از محدثین امامیه و اساطین علمای شیعی به بررسی سندی روایت، برخی به کاوشی فقه الحدیثی بسنده کرده و برخی موضع اتهام را به حوزه مستنسخین کشانده اند اما با کمی تأمل و در نظر گرفتن پیش درآمد این جستار میتوان به نتیجه ای دیگر دست یافت که شواهدی بر منتقله بودن روایت فوق الذکر بوده از این رو نیاز است به بررسی شواهد مربوط به آن و مقایسه با روایات مشابه شیعی و عامه پردازیم.

### ۲- بررسی سندی روایت کمیت قرآن




5<sup>th</sup> International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR



برای ارزیابی اعتبار سند باید به برر سی یکان یکان روایات مذکور در این سند پرداخت و اکنون باید برر سی شود اینان دقیقاً کیانند و در کتب تراجم و رجال تا چه اندازه توثیق شده اند.

محمد بن یحیی:

اولین راوی مذکور در سند کمیت قرآن جناب محمد بن یحیی العطار قمی است که محمد بن یحیی، بزرگ دانشمندان شیعه قم، استاد مرحوم کلینی و محدثی با روایات زیاد و صاحب تألیفات متعدد مورد اعتماد اهل علم و حدیث، موثق و «عین» بوده است. از این نکته معلوم می شود که محمد بن یحیی شخصیتی برجسته بوده و ارج و قرب خاصی نزد مردم داشته است.

هر کدام از رجال شنا سان که از محمد بن یحیی عطار نامی برده اند، او را به بزرگی و عظمت یاد کرده و به وثاقت و صداقت و علم و تقوا ستوده اند. نجاشی (وفات ۴۵۰ ق) وی را چنین توثیق میکند: «عین، ثقه» (نجاشی، ۱۴۰۸، ص ۳۵۳) می نویسد:

«محمد بن یحیی، ابوجعفر قمی، استاد اصحاب ما در زمان خود بود. شخصیتی مورد توجه و اعتماد، صاحب امتیاز و کثیرالحدیث بود. وی کتاب های زیادی تألیف کرد که «مقتل الحسین» و «النوادر» از جمله آنهاست. عده ای از اصحاب ما تمام کتاب های او را از فرزندش احمد و وی هم از پدرش برای ما نقل نموده اند.» (نجاشی، ص ۲۵۰)

شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ق) و حسن بن علی ابن داود (متولد ۶۴۷ ق) وی را از جمله کسانی شمرده اند که از ائمه معصومین (ع) بدون واسطه روایتی نقل نکرده اند. نیز وی را از اهل قم و استاد ثقة الاسلام کلینی دانسته اند. «رجال ابن داود»، ص ۳۴۰

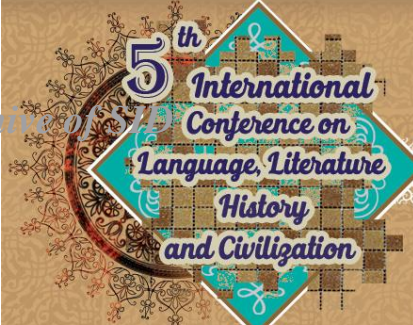

شیخ صدوق (وفات ۳۸۱ ق) می گوید:

«تمام روایاتی که در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از علی بن جعفر نقل کرده ام، از پدرم (رضی الله عنه)، از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی بن علی بوفکی روایت کرده ام و تمام روایاتی که از عمر بن یزید روایت کرده ام از پدرم (رضی الله عنه)، از محمد بن یحیی عطار، از یعقوب بن یزید، از محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی نقل نموده ام.» (شیخ صدوق، ج ۴، شرح ص ۴، ۸ و ۹)

محدث بزرگوار، شیخ میرزا حسین نوری (وفات ۱۳۲۰ ق)، صاحب کتاب ارزشمند «مستدرک الوسائل» هر کجا سندی نقل می کند که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن مورد وثوق وی باشد، می گوید:

«تمام آنها از موثقی هستند و هیچ خلافتی در آنها نیست.» (محدث نوری، طبع المکتبه الاسلامیه، ج ۳، ص ۶۱۱، ۶۱۸)

محمد بن یحیی عطار قمی، شهید ثانی می گوید: «در صورتی که محمد بن یحیی به طور مطلق در سلسله سند قرار گیرد، از طریق طبقه و زمان حیات و روایاتی که از وی نقل شده، تشخیص داده می شود. هر کجا ثقة الاسلام کلینی در اول سند نام «محمد بن یحیی» را ذکر کند، مقصود محمد بن یحیی عطار قمی است؛ چون وی در طبقه استادان کلینی می باشد.» (الدراية فی علم مصطلح الحدیث، شهید ثانی، ص ۱۲۹) از جمله کتابهایی که ایشان به رشته تحریر آورده است: النوادر (همان)

COMSTech Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021  
Avicenna International Community College LLC  
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

احمد بن محمد:

با بررسی منابع رجالی دو احتمال درباره احمد بن محمد در سند حدیث وجود دارد: این شخص می‌تواند احمد بن محمد بن خالد برقی باشد یا احمد بن محمد بن عیسی اشعری، چرا که محمد بن یحیی العطار از هر دو راوی مذکور حدیث نقل کرده است. اما با فحوص در الکافی در می‌یابیم که حدود سه هزار روایت از احمد بن محمد بن عیسی اشعری نقل شده است و از سوی دیگر از احمد بن محمد بن خالد برقی روایتی ذکر نشده چرا که در کتاب الکافی احمد بن محمد بن عیسی اشعری از علی بن حکم در موارد متعددی نقل روایت کرده اما از جناب احمد بن محمد بن خالد برقی حدود شصت دریافت از علی بن حکم به دست می‌آید؛ بنا به احتمالات پیش گفته می‌توان "احمد بن محمد" را همان احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی تلقی کرد (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۱۲) که شیخ طوسی در کتاب رجالی خویش وی را ثقه میدانند (نک: طوسی، بی تا، ص ۳۵۱).

علی بن الحکم:

به نظر میرسد وی علی بن الحکم بن زبیر کوفی باشد (خویی، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص ۳۹۴) شیخ طوسی نیز در توثیق وی از تعبیری همچون «ثقه، جلیل القدر، له کتاب» استفاده کرده است (طوسی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۳).

هشام بن سالم:

آخرین راوی سند کمیت قرآن بنا به نظر برخی از محدثین در نسخه‌های دیگر الکافی به جای هشام بن سالم، هارون بن مسلم ذکر شده است (نک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۲۵) اما به نظر برخی از محققین معاصر این قول پذیرفتنی نیست زیرا در کتب حدیثی امامیه از جمله الکافی هیچ‌گونه روایتی با سند هارون بن مسلم از امام صادق علیه السلام ضبط نشده است (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۱۲) تنها شیخ طوسی در کتاب خویش یک روایت درباره رضاع با سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن هارون بن مسلم عن ابی عبدالله» آورده است (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۳۱۳). در اسناد دیگری نیز جناب هشام بن سالم مستقیماً از امام صادق نقل نکرده بلکه وی از مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السلام نقل روایت کرده است. بنا بر این نمی‌توان هشام بن سالم را از کسانی دانست که شاگرد مستقیم امام صادق باشند و گزارش صحیح همان هشام بن سالم موجود در سند است (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۱۲). ابوالعباس نجاشی درباره هشام به سالم چنین می‌نگارد:

«وی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام حدیث نقل می‌کند و «ثقه، ثقه» و کاملاً مورد اطمینان است» (نجاشی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۶۵).

برآیند سند حدیث کمیت قرآن:

با توجه به بررسی‌های رجالی هر یک از روایات حدیث کمیت قرآن می‌توان سند آن را بدین صورت بازسازی نمود: «محمد بن عیسی العطار عن احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی عن علی بن الحکم الانباری عن هشام بن سالم عن




COMSTech Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021  
Avicenna International Community College LLC  
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

ابی عبدالله الصادق علیه السلام گفتنی است سندی صحیح است و متصل و ظاهرا در توثیق روایت آن نمیتوان خدشهای وارد کرد (نک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

### ۳- روایات موید انتقال روایت نما کمیت قرآن در منابع روایی شیعی

احادیثی در منابع شیعی ذکر شده است که از نظر سندی و متنی با روایت کمیت قرآن یکسان و متشابه است. این روایت در منابع متأخر شیعی نقل شده که سرآغاز ورود این روایت به منابع شیعی کتاب اصول الکافی کلینی بوده که از نظر برخی این روایت از نظر سندی تلقی به قبول شده و بسیاری از اخباریها این نوع از روایت را پذیرفته اند. موارد ذیل می تواند تقویت کننده احتمال انتقال روایت کمیت قرآن از کتاب ثقة الاسلام کلینی به منابع شیعی باشد. در اینجا به بعضی از آنها اشاره میکنیم:

#### ۳-۱- تفسیر نورالثقلین

از جمله آنها روایت نما کمیت قرآن است که تفسیر نورالثقلین عروسی حویزی با ذکر سندی همانند اصول الکافی نقل کرده است. در این خبر نیز امام صادق علیه السلام قرآن کریم را ۱۷۰۰۰ آیه برمی شمارد چه اینکه آمده است: «عَكَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ آيَةٍ» (نور الثقلین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۳).

#### ۳-۲- تفسیر البیان الصافی

برخی از عرفاء و محدثین از سید نعمه الله جزائری در کتاب "الرساله الصلاتیه" درباره اخباری که دلالت بر تحریف قرآن دارند تعبیری مهمی از وی عنوان میکنند: «ان الاخبار الداله علی ذلك تزید علی ألفی حدیث» خبرها حاکی از بیش از دو هزار حدیث در مورد تحریف قرآن کریم است و از جزائری چنین نقل می کنند که از میان تمامی این احادیث فقط یک حدیث مشعر بر خلاف کلام پیشین است و او می گوید:

«القرآن الموجود الآن سته آلاف و ستمائة و ست و ستون آیه تقریبا، و المروی فی صحیحه هشام الجوالیقی ان القرآن الذی نزل علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم سبعة عشر الف آیه و فی روایه ثمانیه عشر الف آیه» (قبیه سسی عاملی، بی تا، تف سیر البیان ال صافی لبیان کلام الله الوافی، ج ۱، ص ۲۷۸) قرآن موجود الان دارای تقریبا ۶۲۳۶ آیه است در حالیکه در صحیح هاشم الجوالیقی روایت شده که قرآنی که بر رسول اکرم نازل شده است دارای هفده هزار آیه است و در روایت دیگر از وی قرآن منزل بر رسول اکرم دارای هجده هزار آیه است.





## بررسی و تحلیل:

از شواهد مقوم احتمال انتقال روایت کمیت قرآن از کتاب القرائات السیاری از طریق محمد بن یحیی العطار به الکافی ثقه الاسلام کلینی: مشابه روایت نما کمیت قرآن در آخر کتاب "فضل القرآن اصول الکافی" در کتاب "القرائات احمد بن محمد السیاری" ذکر شده است. این دو روایت از لحاظ متنی دارای اختلاف اندکی اند به طوریکه در کتاب القرائات روایت کمیت قرآن چنین نقل شده است: «القرآن الذی جاء به جبرائیل إلی محمد صلی الله علیه و آله عشرة الف آیه». برخی درباره این روایت چنین تصریح کرده اند که تصحیفی رخ داده و در نسخه ای که سیاری در کتاب خود ذکر کرده تعبیر «سبعه» حذف شده است؛ چه اینکه در کتاب فصل الخطاب حاجی نوری به این نکته اشاره کرده است وی می نویسد:

«القرآن الذی جاء به جبرئیل (ع) إلی محمد صلی الله علیه و آله عشرة الف آیه کذا فی نسختی و هی سقیمه و الظاهر سقوط کلمه سبعه قبل عشرة لاتحاده متنا و سندا لما فی الکافی» (فصل الخطاب، ص ۲۳۵) قرآنی که جبرئیل برای رسول اکرم ده هزار آیه است و نسخه ای که من هم به آن دسترسی دارم ده هزار آیه ذکر شده است درحالیکه این تعبیر سقیم و ظاهر روایت افتادن کلمه سبعه قبل از عشرة است به خاطر اتحاد متنی و سندی با الکافی است (روایت اصول الکافی باید ملاک قرار گیرد).

از دیگر شواهد مبنی بر انتقال روایت از فردی غالی به نام احمد بن محمد سیاری در کتابی در درجه اعتبار الکافی به این است که استاد کلینی محمد بن یحیی عطار قمی از مشایخ حدیثی که از سیاری حدیث روایت می کرده است؛ چه اینکه آمده است:

۱- الشیخ فی الفهرست: «احمد بن محمد بن سیار ... أخبرنا بالنوادیر خاصه الحسین بن عبید الله عن احمد محمد بن یحیی، قال: حدثنا أبی [محمد بن یحیی] قال: حدثنا السیاری ...» (طوسی، ص ۴۷).

۲- النجاشی: «احمد بن محمد بن سیار ... قال: حدثنا احمد بن محمد بن یحیی عن أیه قال حدثنا السیاری ...».

۳- «لا یبعد کون ما فیہ ماخوذ منه فان محمد بن یحیی یروی عن السیاری» (فصل الخطاب، ص ۲۳۵)

۴- یروی عن السیاری محمد بن الحسین و محمد بن أحمد بن یحیی (شیخ علی اکبر ترابی، الموسوعه الرجالیه المیسره، ج ۱، ص ۵۹)

۴- شواهد برون متنی منتقله بودن روایت کمیت قرآن

شواهدی برون متنی بر انتقال روایت کمیت قرآن همچون شواهد دیگری از قرآن، روایات و تاریخی قابل اصطیاد است که دال بر منتقله بودن آن خواهد بود. در اینجا به نمونه ای از آن اشاره می کنیم:



#### ۴-۱- شواهد قرآنی منتقله بودن روایت نما کمیت قرآن

روایت منتقله کمیت قرآن با نص قرآن کریم تعارض داشته و با بسیاری از آیات قرآن همخوانی ندارد. آیاتی در قرآنی وجود دارد که به صورت دلالت قطعی و آشکارا بر عدم تحریف قرآن خواه به نقصان یا به زیادت اشاره می کنند همچون کریمه «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/۴۲) هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است. مفسران درباره این آیه شریفه مطالبی گوناگونی بیان کرده اند که در معنا و مضمون و هدف متحدند و آن عدم تحریف قرآن کریم تا روز قیامت است. یکی از ان اقوال این است:

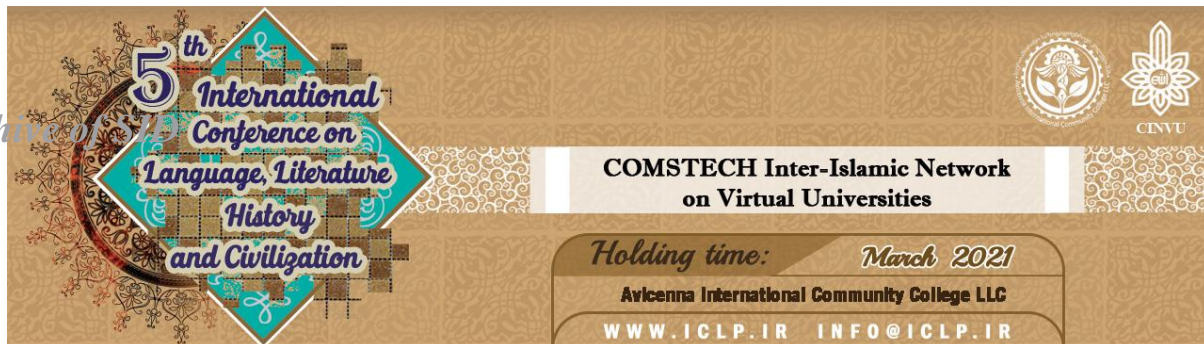
« لا يأتيه منهم أي لا يأتيه من قبلهم ما يبطله و لا يقدرن على ذلك أو بجعل أل في الباطل عو ضا من الضمير والمعنى لا يأتيه باطلهم والمراد بقوله: «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» زمانا الحال و الاستقبال أي زمان النزول و ما بعده إلى يوم القيامة» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۹۸).

در آیاتی دیگر خدای سبحان می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹) همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم. دیگر مفسران نیز در ذیل این آیه شریفه بر عدم تحریف قرآن و صیانت و حفاظت الهی بر قرآن کریم تکیه نموده و چنین نگاشته اند: «حق این است که، خداوند طبق ظاهر آیه فوق وعده داده که قرآن را از هر نظر حفظ و پاسداری کند: محافظت از هر گونه تحریف و محافظت از فنا و نابودی و محافظت از سفسطه های دشمنان و سوسه گر» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۸). آیات بسیار دیگری را میتوان به عنوان شاهدی بر عدم تحریف قرآن کریم ذکر کرد. گفتنی است زمانیکه خدای حکیم و قادر علی الاطلاق در آیات گوناگونی بر صیانت و حفاظت قرآن از تحریف تأکید میکند که هیچ باطلی بر این قرآن ورود نکرده و نخواهد کرد. چگونه می توان به روایتی منفرد از اصول الکافی بر تحریف قرآن اعتماد و تکیه کرد؟ پس باوجود دلایل روشن و آشکاری که خدشه ناپذیر است نباید به چنین اخبار منتقله که ناظر به کمیت قرآن است اعتنا و توجهی نمود.

#### ۴-۲- شواهد روایی منتقله بودن روایت نما کمیت قرآن

در منابع شیعی متقدم روایت کمیت قرآن فقط توسط ثقه الاسلام کلینی در الکافی نقل شده است و در منابع اقدمین از شیعیان نشانه ای مبنی بر ذکر این روایت وجود ندارد یا آنکه آن منابع به دست ما نرسیده است. منابع متأخر شیعی بعد از شیخ طوسی همچون نور الثقلین عبد علی عروسی حویزی از الکافی کلینی این روایت را نقل کرده اند (نک: نور الثقلین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۳).

بین منابع متقدم، روایت نما کمیت قرآن با محتوای معرفت تحریف در کتب روایی عامه نیز دیده می شود- هم سو مراد است- برای ذکر نمونه؛ کتاب الاتقان و کنز العمال از طبرانی در الاوسط و ابن مردویه و أبو نصر الجزی به ذکر این نوع از روایت در منابع خود اقدام کرده اند. به بیانی دیگر در کتب الاتقان، کنز العمال و الابانه روایتی از عمر بن خطاب نقل



شده است که هم جهت با روایت کمیت آیات قرآن است هر چند سند این روایات با مصادر روایی شیعه تفاوت دارد. در این روایت عمر بن خطاب از رسول اکرم نقل میکند: «و أخرج ابن مردويه عن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم القرآن ألف ألف حرف و سبعة و عشرون ألف حرف فمن قرأه صابرا محتسبا فله بكل حرف زوجة من الحور العين» قرآن هزار حرف و بیست و هفت هزار حرف است (نک: الاتقان، ج ۱، ص ۷۲؛ الدر المنثور، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۲۲). نقل قول دیگری از زرکشی وجود دارد که وی می نویسد: «أنهم عدوا حروف القرآن فكانت ثلاثمائة ألف حرف و أربعون الف. و سبعمائه و أربعون حرفا» آنها حروف قرآن را که سیصد هزار و چهل هزار نفر بودند، شمردند و هفتصد و چهل حرف (البرهان، ج ۱، ص ۲۴۹).

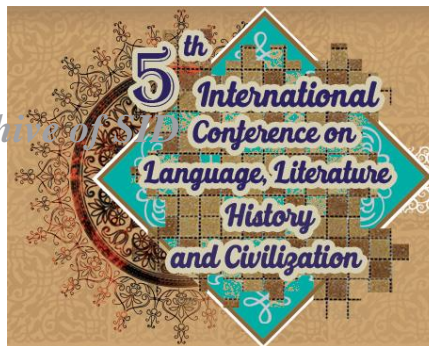
سوال مهمی که نیاز دیده میشود که به آن پاسخ درخوری داده شود این است که چگونه روایت تحریف قرآن احمد بن محمد سیاری وارد الکافی شریف شده است. بهتر است پاسخ به این سوال به بخش نظر مختار موكول شود.

#### ۴-۳- شواهد تاریخی منتقله بودن روایت نما کمیت قرآن

یکی دیگر از مستندات دال بر انتقال روایت کمیت قرآن از کتب عامه به اصول الکافی، تضاد آن با عقائد مسلم و قطعی امامیه بر عدم تحریف قرآن کریم است. با اجماع منقول از بزرگان شیعه چنین به نظر میرسد که قرآن موجود فعلی همانی است که از سوی خدای سبحان به قلب رسول اکرم نازل شده و بی کم و کاست به دست مردم رسیده است. شیخ طوسی در کتاب التبیان نیز بر این مطلب تأکید میکند که کم و زیاد شدن قرآن از سخنانی است که لایق ساحت قدسی قرآن کریم نیست زیاد اعتقاد به زیادتی در قرآن با اجماع فریقین در اصطکاک بوده و قول به نقصان در قرآن خلاف طریقت مسلمین خواهد بود و نزد وی اقرب به صواب قول به عدم نقیصه در قرآن است کما اینکه سید مرتضی نیز آن را تأیید کرده و روایاتی که خلاف این سخن را بیان میکنند روایات آحادی است که مفید علم نبوده و الزام آور نخواهد بود و بهتر است از آن اعراض شود (به نقل از طب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵-۱۷) صاحب کتاب اطیب البیان مطالب پیش گفته را از تفسیر آلاء الرحمان بلاغی آورده است (نک: بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۵-۲۶).

با این توضیحات چگونه ممکن است امام صادق علیه السلام صراحتا در روایتی به حذف بخش اعظمی از قرآن اشاره کنند یا فرمایشی از ایشان به دست شیعیان برسد که مبتنی بر تحریف قرآن کریم باشد. اگر روایت کمیت قرآن منشأ شیعی میداشت چرا بزرگان امامیه با قاطعیت بر مسئله عدم تحریف قرآن پافشاری کرده اند؟. بنابر این می توان گفت روایت کمیت قرآن ساخته فکر افرادی است که از منابع غیر امامیه بویژه از روایات غلات به منابع شیعی وارد شده است. البته درباره این روایت گفتنی است که روایت کمیت قرآن با واسطه احمد بن محمد سیاری (غالی المذهب) وارد روایات مکتب اهل بیت علیه السلام شده است و میتوان آن را از مصادیق روایات منتقله و از اخبار مربوط به تحریف قرآنی دانست که علامه عسکری در کتاب القرآن الکریم و الروایات المردستین به تفصیل درباره آن قلم رانده است (نک: عسکری، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۲۲۳-۲۳۰).

۵- نظر مختار: انتقال روایت کمیت قرآن از سوی سیاری غالی المذهب و راهیابی به اصول الکافی علامه عسکری راهیابی اخبار منتقله به مکتب اهل بیت علیهم السلام را به دو طریق دانسته است:



اولا تفاسیر مدرسه اهل بیت علیهم السلام از جمله؛

الف) تیان (با ذکر اسناد و رعایت علمی)

ب) مجمع البیان و جوامع الجامع طبرسی.

ثانیا روایات احمد بن محمد سیاری و معجولات وی و انتساب آن به ائمه (نک: عسکری، ج ۳، ص ۲۵۴).

از نظر یکی از محققین علامه عسکری با ذکر دسته های فوق دو نکته مهم را درباره انتقال اخبار دخیل می داند: غلات با انگیزه پلید شان و علماء با اهداف نیکو خویش (نک: ستار، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). بیشترین محل بحث در اخبار منتقله اخباری است که به دو طریق فوق وارد مواریث روایی شیعه شده است؛ اخبار منتقله گاه به واسطه بعضی مذاهب شیعی همانند اخبار تحریف که با واسطه سیاری غالی المذهب به درون منابع روایی شیعه راه یافته است. نکته مهم درباره اخبار منتقله آن است که در منابع دست اول شناسایی این روایات به مراتب کاری آسانتر نسبت به عصر کنونی تلقی میشود به دلیل معلوم بودن طرق و اسناد روایات و به مرور زمان تشخیص این ممیزات رو به سختی گرایید (نک: همان، ص ۱۱۰).

#### ۵-۱- نگاهی به شخصیت احمد بن محمد سیاری

أبو عبد الله کاتب، أحمد بن محمد بن سیار<sup>۲</sup>، که دارای تألیفاتی بوده، و وثاقت و روایاتش، محل بحث قرار گرفته است. از نظر محققین وی فردی «ضعیف الحدیث، فاسد المذهب، کثیر المرأسیل، مجفوء الروایه، متهاکک، محرف، غالی و مخلط» است (کشی، ج ۲، ص ۸۶۵؛ منتهی المقال ص ۴۳) با این وجود به سیاری از بزرگان فقه و حدیث، همانند: مرحوم کلینی، در کافی، و مرحوم شیخ طوسی، در تهذیب و استبصار، ابن ادریس حلی روایات او را نقل نموده اند به گونه ای که شیخ طوسی درباره او نوشته است: «صنف کتبا کثیره» و بدین وسیله او را از مصنفین شیعی بر شمرده است (الفهرست، شیخ طوسی، ص ۲۳). گفتنی است که احمد بن محمد سیاری اصفهانی کاتب نیز کتابی نوشته است بنام «نوادیر القرآن». وی در زمان امام عسکری (ع) این کتاب را برای طاهر و ابوالحسن محمد بن احمد بن محمد معروف به حارثی نوشت (صدر، ۱۳۵۷، شیعه و پایه گذاری علوم اسلامی، ص ۳۲) البته برخی دیگر قائلند که وی کتابی دیگر با نام «فضل القرآن» نگاشته است (صدر، ۱۳۸۱، شیعه بنیانگذاران فرهنگ اسلام، ص ۴۹۹).

#### ۵-۲- نفوذ سیاری در دستگاه خلافت و تأثیر گذاری بر محدثین

احمد بن محمد سیاری از مهمترین راویان متهم به غلو و به زعم حدیث پژوهان جزء کسانی است که روایات تحریف قرآن از او صادر شده است. وی در میان ناقلان روایات تحریف قرآن در ردیف اول و بیش از روایات دیگر به جعل و وضع حدیث پرداخته و در میراث روایی شیعیان پراکنده است. به گونه ای که بنا به نظر یکی از محدثین معا صرا صلی ترین منبع کتاب فصل الخطاب حاجی نوری که با انگیزه اثبات تحریف قرآن گردآوری شد، کتاب القرائات سیاری می باشد (نک: عسکری، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۲۵۳-۲۴۸) به گونه ای که حدود ۳۶۰ روایت از مجموعه روایات کتاب فصل الخطاب از کتاب القرائات سیاری ذکر شده است (جعفریان، اکذوبه تحریف قرآن، ۱۴۱۳، ص ۴۶).

<sup>۲</sup> سیار جد احمد می باشد.



اتفاق رجالیان متقدم شیعه در تضعیف احمد بن محمد سیاری انکار ناپذیر است در حالیکه روزگاری وی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری به شمار میآمده است. طبق اجماع علمای رجال، سیاری ضعیف الحدیث معرفی شده چون روایات مرسله از او بسیار نقل شده است. از جنبه عقیده او را فاسد المذهب خوانده اند (نجاشی، ص ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۶) برخی دیگر او را تحریف گر، منحرف و غالی تو صیف کرده اند (ابن غضائری، ۱۴۲۳، ص ۴۰). در اختیار معرفه الرجال که شیعیان آورده است که امام جواد علیه السلام در نامه‌ای معاشرت با سیاری را منع کرده اند (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۲۵) در همانجا امام جواد علیه السلام علت این نهی را چنین توضیح می‌دهد: «انه لیس فی المكان الذی ادعاه لفسه والا تدفعوا الیه شیئا» او در جایگاهی که ادعا کرده نیست و به او توجه نکرده و چیزی به او ندهید (همان جا).

### ۵-۳- نقش سیاری در مسیر انتقال حدیث کمیت قرآن

نکته مهمی که در زندگی سیاری باید به آن توجه شود این است که وی نویسنده و کاتب حکومت طاهریان در خراسان به حساب میآمده است (نجاشی، ص ۸۰). بهتر است در این قسمت با بررسی حکومت و فضای سیاسی عصر سیاری یعنی دولت طاهریان به انگیزه احتمالی سیاری بر پراکنده نمودن روایات تحریف قرآن و همچنین نفوذ وی در برخی از نقاط جهان اسلام و انتقال اخبار وی به میراث حدیثی شیعیان، بیش از پیش توجه شود.

دولت طاهریان ح سین را میتوان نخستین دولت مستقل ایرانی بعد از اسلام نام برد که از تشکیلات نظامی و دستگاه خلافت عباسیان ظهور کرد. گفته اند از مهمترین ویژگی های حکومت طاهریان وابستگی شدید به خلافت عباسیان بوده است و هیچ گاه از جایگاه خود تخطی ننموده و بر همین اساس روابط متوازن و بسیار خوبی میان خاندان طاهری و خلافت عباسیان وجود داشته است (نک: طبری، ۱۴۱۸، ج ۷، صص ۴۷۴-۴۷۵) این رفتار دولت طاهریان نشان میدهد که اینان دست نشانده و وفادار کامل به عباسیان بوده اند و این فرمانبرداری خاندان طاهری از عباسیان موجب شد که علاقه و ارتباط صمیمانه ما بین خلیفه عباسی و طاهریان ایجاد شود (منهاج السراج، طبقات ناصری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۲).

با این پیش درآمد جایگاهی که احمد بن محمد سیاری به عنوان کاتب و نویسنده قلمرو طاهریان داشته میپردازیم تا با تحلیل جایگاه کاتب و نویسنده حکومت طاهریان، بتوان به نتیجه بهتری درباره جایگاه سیاری دست یافت.

مورخین نگاهشده اند آگاهی کتاب از جریان های سیاسی و اجتماعی حاکمان و امیران باعث میشد که بسیاری از امور مهم حکومتی به آنان داده شود و دبیران با کفایت به مناسبت مهم حکومتی دست یافته و دارای شوکت و نفوذ بسیار شوند (نک: عوفی، ۱۳۶۱، تذکره لباب الالباب، ص ۷۹) از سوی دیگر وظائف کاتبان و نویسندگان در آن روزگار این بوده که با کاروان ها به سفرهای تجاری مهم رفته گاهی اوقات به عنوان بازرس یا حتی فرمانده عهده دار مسئولیت های خطیر و مهم حکومتی می شدند (همان، ص ۲۵). به مرور زمان این مسائل باعث شد که کاتبان جزء موثق ترین افراد حکومتی تلقی شوند و بسیاری از مأموریت های مهم به عهده آنان گذاشته میشد. حتی ر شد گاهی به حدی می رسید که کاتب یا دبیر به مقام وزارت برسد. به هر ترتیب کاتبان با اطلاع از مهمترین اخبار اطلاعاتی و اسرار حکومت میتوانند نقش مهمی در امر صدارت و حکومت ایفاء کنند (نک: ح سینی و دیگران، ۱۳۹۶، نگرش تاریخی به روایات قرائات اهل



بیت، ص ۱۵). برخی دیگر تأکید کرده اند کاتبان و دبیران حکومتی به علت بهره مندی از سواد خواندن و نوشتن همیشه از پر قدرت ترین افراد در دستگاه حکومتی شناخته می شده اند و تا قرن چهارم هجری بر دیگر طبقات دربار تفوق و برتری داشته اند (فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ۱۳۵۸، ص ۱۶۸).

بنابراین برای خواننده این سطور واضح گردید که وقتی درباره احمد بن محمد سیاری گفته شده است وی از کتاب و دبیران دستگاه حکومت طاهریان بوده است؛ این مهم چنین می نماید که وی موقعیت و جایگاه بسیار مهمی در دربار خاندان طاهریان داشته و نفوذ و قدرت زیاد او باعث شده است که وی بتواند روایاتی را در مجامع حدیثی شیعه وارد کند لهذا این احتمال مهمی است که درباره انتقال اخبار از فردی غالی المذهب همچون سیاری به میراث روایی شیعی داده می شود چرا که انتقال خبر، امری سهل الوصول برای سیاری بوده و وی می توانسته براحتی روایات متعدد تحریف را در سراسر ممالک اسلامی بپراکند، به بیانی دقیقتر نشو و نمو روایت کمیت قرآن ریشه در مسائل حکومتی داشته است.

#### ۵-۴- کارنامه سیاری در مسیر انتقال حدیث

از راه های شناخت عملکرد سیاری غالی المذهب، توجه به کارنامه وی در جعل و انتقال خبر درون میراث روایی شیعیان است. و این مطلب با شناخت دقیق اعتقادات وی امکان پذیر است. بسیاری از آثار غلات توسط علمای حدیث شناسایی و کنار گذاشته شده است اما در این بین هنوز روایات جعلی سیاری کم و بیش در لابه لای کتاب اصول الکافی وجود دارد. با ملاحظه سیر عملکرد فرقه سیاری در مسیر جعل و انتقال حدیث نقش مهم وی در انتقال این خبر بیش از گذشته هویدا می گردد:

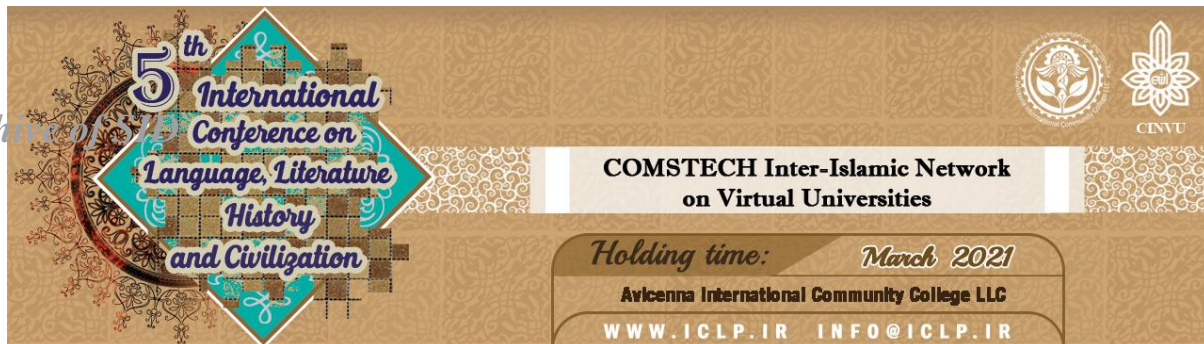
غلات در مسائل قرآنی به خصوص ادعای تحریف و اسقاط آیات مربوط به ائمه، عدم حجیت قرآن موجود، برخی تطبیق های آیات با امامان و طرح فضائل مبالغه آمیز در قرائت سوره اقدام نموده اند (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۹۳، ص ۲۸۰). به گونه ای که در میان اعتقادات غلات اعتقاد به تحریف وجود دارد، به گفته دانشمندان علم کلام از اصول مهم اعتقادی غلات این است که این گروه بعضاً به تحریف قرآن معتقد بوده و قرآن موجود را حجت نمی دانسته اند (نک: مشکور، تاریخ علم کلام و فرقه های آن تا قرن چهارم، ص ۱۵۲).

استاد بهبودی در مورد اوج فعالیت های غلات در مسیر جعل حدیث به مطلب مهمی اشاره می کند:

«این واقعه به دورانی مربوط می شود که حدیث شیعه از حالت استتار و تقیه خارج شد و در قالب اصول و مصنفات حدیثی دست به دست گردید.» (بهبودی، معرفه الحدیث، ص ۴۰)

ایشان در جای دیگر اظهار می دارد:

«راویان غالی المذهب در پاره ای موارد اصل معروف یا کتاب مشهوری را گرفته و در خلال آن روایاتی از خود، وارد کرده یا آنکه عبارات حدیث را مطابق با میل خود تحریف می نمودند. سپس پشت نسخه متذکر میشدند این نسخه در فلان ماه بر فلان شخص در محضر شاگردانش قرائت شد و در مواردی نیز دفاتری کاملاً جعلی از احادیث دروغ و غلو آمیز تهیه نموده و در پشت آن می نوشتند: کتاب فلان یا اصل فلانی» (همان، ص ۴۴)



شاهد این مدعا را می توان در مستطرفات سرائر یافت. در میان سیزده اصل از اصول اربعمأه که توسط ابن ادریس حلی در آخر کتاب سرائر گزینش شده است؛ کتاب احمد بن محمد بن سیار دیده میشود که به عنوان یک اصل روایی در میان علما وجود داشته است (نک:مدیر شانه چی، تاریخ حدیث، صص ۹۸-۱۰۰). همچنان که به عقیده آیت الله صالحی نجف آبادی برخی راویان شیعی نیز در انتقال اخبار دخیل بوده و نقش و اسطه ایفا کرده اند (نجف آبادی، ۱۳۸۹، ص ۶۷). از سویی دیگر این روایت با الفاظی بسیار شبیه به روایت کمیت قرآن در کتاب القرائات احمد بن محمد سیاری ذکر شده که نکات مذکور میتواند احتمال جعل حدیث توسط سیاری و درج در کتاب القرائات سپس انتقال از این کتاب به سوی کتاب اصول الکافی را تقویت نماید.

گویا میان علماء کثرت روایت نماهای منقول از سیاری باعث شده است که با خو شینی منقولات وی را تلقی به قبول نمایند و بافته هایش را در کتاب خویش درج نمایند. همین رخداد امکان دارد توسط ثقه الاسلام کلینی در درج روایت کمیت قرآن در اصول الکافی رخ داده باشد و چه اینکه این احتمال با حجم بسیار زیاد الکافی در مسیر تسبیق و غفلت شیخ کلینی امری دور از ذهن نخواهد بود.

## ۵-۵- نقل روایت نما کمیت قرآن، جعل و انتقال از سوی سیاری

گاهی اوقات احادیث به بعضی از ثقات امامیه نسبت داده شده اما با گذر زمان آن احادیث مورد تردید محدثین واقع شده است. راویانی که نقل این احادیث به آنان نسبت داده شده افرادی اند مثل زراره و فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی، ولی حضرت امام رضا (ع) بسیاری از این احادیث را مردود دانست و فرمود: اینها را ابو الخطاب و پیروان او جعل کرده و در کتابهای اصحاب امام صادق (ع) وارد نموده اند.<sup>۳</sup> بنابراین احادیثی وجود داشته و دارد که ظاهراً سندشان صحیح است ولی در واقع هم متن و هم سندشان جعلی است یعنی حدیث سازان دروغ پرداز هم متنها را جعل کرده اند و

<sup>۳</sup> این اقدام غلات امری دور از ذهن نیست. همچنان که از نظر عقل استبعادی بر آن نیست. افزون بر این روایات متعددی وجود دارد که پیروان غلات سعی در درج روایت جعلی در میراث روایی ائمه نموده اند بلکه در این امر موفق نیز شده اند به طوریکه در لسان روایات اهل بیت این مطلب اشاره شده است. برای مثال به روایت زیر توجه کنید:

محمد بن عیسی بن عبید می گوید: یکی از اصحابمان در حالی که من حضور داشتم از یونس بن عبد الرحمان پرسید: ای ابا محمد، چقدر در مورد حدیث سخت گیری و چقدر انکار تو نسبت به آنچه اصحاب ما آن را روایت می کنند زیاد است. پس چه چیزی تو را بر رد احادیث واداشته است؟ پس گفت: هشام بن حکم مرا حدیث گفت که او شنید ابا عبدالله (ع) می فرمود: بر ما حدیثی قبول نکنید مگر آنچه موافق قرآن و سنت بود یا شاهی از احادیث متقدم ما همراه آن بیابید، که مغیره بن سعید - خداوند لعنتش کند. در کتاب اصحاب پدرم احادیثی پنهان کرد که پدرم آنها را نگفته بود، پس از خداوند بتر سید و بر ما قبول نکنید آنچه مخالف گفته رب ما تعالی و سنت پیامبر مان (ص) بود، که ما هنگامی که حدیث گفته ایم، گفته ایم خداوند عز و جل فرمود و رسول الله (ص) فرمود.

یونس بن عبد الرحمن گفت: به عراق رفتم پس در آنجا گروهی از اصحاب ابو جعفر (ع) را در حال زیاد شدن یافتیم، از آنها شنیدیم و کتاب هایشان را گرفتیم، سپس آنها را بعداً بر ابو الحسن الرضا (ع) عرضه کردم، پس احادیث زیادی از آنها را انکار نمود که از احادیث ابی عبدالله (ع) باشد و به من فرمود که: ابوالخطاب بر ابی عبدالله (ع) دروغ می بست، خداوند ابو الخطاب را لعنت کند. همچنین اصحاب ابو الخطاب این احادیث را تا امروز در کتابهای اصحاب ابی عبدالله (ع) پنهان می کنند، پس بر ما خلاف قرآن را قبول نکنید که ما اگر حدیث گفته ایم، موافق قرآن و موافق سنت، گفته ایم چرا که ما از خدا و از رسولش حدیث می گوئیم (طوسی، ۱۴۲۹، صص ۲۴۰-۲۴۱)

همچنین در حدیث دیگری آمده است که ابی عبدالله (ع) فرمود: ابو الخطاب احمق بود، او را حدیث می گفتیم پس حفظش نمی کرد و از خود اضافه می نمود (طوسی، ۱۴۲۹، صص ۳۰۷).



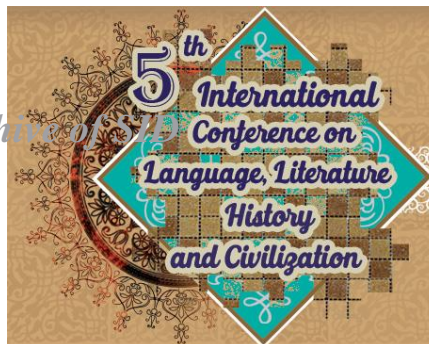
هم سندها را و روایت‌نما کمیت قرآن احتمالاً یکی از آنها است که مرحوم کلینی آن را در کافی بدین صورت نقل می‌کند: «علی بن الحکم عن هشام بن سالم عن ابی عبد الله (ع) قال: انّ القرآن الّذی جاء به جبرئیل الی محمد (ص) سبعة عشر الف آیه» (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۴). یعنی امام صادق فرمود: قرآنی که جبرئیل برای پیغمبر اسلام آورد هفده هزار آیه بوده است. همه می‌دانند قرآن موجود که در همه دنیا منت شراست شش هزار و چند صد و چند آیه است در حالی که این حدیث می‌گوید: قرآن اصلی هفده هزار آیه بوده است یعنی نزدیک به دو ثلث قرآن از بین رفته است؟. برخی از محققین به بازسازی سندی روایت کمیت قرآن تمایلی نشان نداده و روایت مذکور در اصول کافی را برگرفته از علی بن الحکم می‌دانند نه محمد بن یحیی به هر ترتیب اگر این حدیث را مرحوم کلینی از کتاب علی بن حکم گرفته باشد چون کلینی از طبقه ۹ است نمی‌تواند از علی بن الحکم که طبقه ۶ است بی واسطه نقل کند؛ سند حدیث هم ظاهراً صحیح بوده و علی بن الحکم و هشام بن سالم هر دو را ستگو و قابل اعتمادند (معجم الرجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۹۴؛ نجاشی، ص ۳۸۸) با وجود این آیا این جمله با این محتوا از امام صادق علیه السلام صادر شده است؟ یا گمان دیگری که میتوان برد که این حدیث از همان روایاتی باشد که غلات، و ضاعین و جاعلان حدیث دروغ پرداز، بافته های خویش را در کتب امامیه وارد نموده اند و به نشر اکاذیب پرداخته اند.

گفتنی است متعاضد احتمالات مذکور این است که علی بن الحکم فردی نابینا بوده است (نجاشی، ص ۲۱۰) وی از افراد بسیاری حدیث شنیده و به حافظه سپرده و طبعاً از دیگران خواسته است آنچه که او به حافظه سپرده است در دفتر او بنویسند و در طول زمان مجموع شنیده های او کتابی شده و کتاب علی بن الحکم و این کتاب رونویس شده و دست به دست گشته و برای ضاعین حدیث بسیار راحت بوده که نسخه های رونویس شده حدیثهای جعلی را وارد کتب حدیثی نمایند. انگاه یکی از نسخ رونویس شده به دست ثقه الاسلام کلینی رسیده و ایشان حدیث نامبرده را نقل کرده است (صالحی نجف آبادی، غلو، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸).

### نتیجه گیری

در این نگاه شسته به درج روایت‌نما کمیت آیات قرآن از فردی غالی المذهب به نام "احمد بن محمد سیاری" در کتاب معتبر اصول کافی تأکید نمودیم. با عنایت به تعریفی موسّع از دیگر محققین و گردآوری شواهد در زمینه اخبار منتقله و نقش غلات در این امر، انتقال خبر کمیت آیات قرآن میتواند از فرقه رقیب شیعه - غلات - وارد کتابی مهم همچون اصول کافی گردد. در پیجویی زمینه های ورود این اخبار به کتاب اصول کافی این گمان برسی شد که احمد بن محمد سیاری به عنوان دبیر و کاتب دربار طاهریان توانست به قدرت و نفوذ بالایی در ممالک اسلامی دست یابد و به نوعی با جعل روایات تحریف قرآن بر انتقال خبر کمیت قرآن همت گمارد. این مسئله نشان داد که تأثیر دولت طاهری میتواند به عنوان یکی از مهمترین شواهد ورود این چنین اخباری در کتب و موارث امامیه تلقی شود. توجه نکردن به منتقله بودن این روایت باعث شد که میان محققان بحثی طولانی برای تحلیل روایت کمیت قرآن ایجاد گردد و در ادوار بعد از سده های نخستین هجری این حدیث از احادیث امامیه تلقی گردد. بررسی های انجام شده نشان داد که سیاری غالی المذهب با استعانت از قدرت دستگاه حکومتی توانست اتهامات بی اساسی را بر پیکره امامیه وارد نماید و از اینجا علت نهی امام





جواد علیه السلام مبنی بر مجالست با وی و تأکید بر دوری از سیاری رو شن می شود. از این رو پژوهش انجام شده با رویکردی دیگر بر روایت نما کمیت قرآن نگریست و با بررسی های پیش گفته در این جستار، میتوان جعل خبر کمیت قرآن از سوی غلات و و ضاعین حدیث و انتقال آن در کتاب اصول الکافی به عنوان یک نظر در کنار نظرات دیگر درباره این حدیث مطرح کرد.

## منابع:

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ناشر: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۳.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی شیخ صدوق، ناشر: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، روضه المتقین، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۲۹
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان، ناشر: موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۸.
۵. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ناشر: بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر، ۱۳۸۸.
۶. بهبودی، محمد باقر، معرفه الحدیث، ناشر: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۷. جعفریان، رسول، اکذوبه تحریف قرآن بین السنه و الشیعہ، ناشر: المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام المعاونه الثقافیه، ایران، ۱۴۱۹.
۸. حسینی و دیگران، نگرش تاریخی به روایات قرائات اهل بیت، ۱۳۹۶.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ناشر: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم، قم، ۱۳۷۲.
۱۰. ستار ۱۳۹۳
۱۱. شیخ علی اکبر ترابی، الموسوعه الرجالیه المیسره
۱۲. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، پرتوی از جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف، ناشر: بی نا، قم، ۱۳۴۳.
۱۳. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، حدیث های خیالی در تف سیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تف سیری، ناشر: کویر، تهران، ۱۳۸۲
۱۴. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، عصای موسی یا درمان بیماری غلو، ناشر: امید فردا، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. صدر، حسن، شیعه بنیانگذاران فرهنگ اسلام، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.
۱۶. صدر، حسن، شیعه و پایه گذاری علوم اسلامی، ناشر: روزبه کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۷.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱۳۹۰.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ناشر: مکتبه المرتضویه، نجف اشرف - عراق



۱۹. العالمی، زین الدین، (الشهید الثانی)، الدرايه فی علم المصطلح الحديث، ناشر: مطبعه النعمان، نجف، ۱۳ ق.
۲۰. عروسی حویزی، عبد علی، نورالثقلین، ناشر: دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۹۱.
۲۱. عسکری، القرآن و الکریم والروایات مدرستین ۱۳۷۴
۲۲. عوفی، محمد بن محمد، تذکره لباب الالباب، ناشر: قمر رازی، تهران، ۱۳۶۱.
۲۳. فرای، ریچارد ن، عصر زرین فرهنگ ایران، ناشر: سروش، تهران، ۱۳۸۵.
۲۴. فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی، ناشر: فضل الله بن محمد رفیع کاتب مشهدی عاملی، ۱۱۴۴ ق.
۲۵. قیسی عاملی، محمدحسن، تفسیر البیان الصافی لبیان کلام الله الوافی، ناشر: موسسه البلاغ، بیروت- لبنان.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ناشر: فرخی، تهران، ۱۳۶۱.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ناشر: چاپخانه مهر، تهران، ۱۳۵۴.
۲۸. مدیر شانه چی، کاظم، تاریخ حدیث، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها سمت، ۱۳۸۷.
۲۹. مشکور، تاریخ علم کلام و فرقه های آن تا قرن چهارم
۳۰. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، ناشر: کویر، تهران، ۱۳۷۷.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات امامیه، ناشر: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید، قم، ۱۳۷۱
۳۲. منهج السراج، عثمان بن محمد، طبقات ناصری، ناشر: انجمن آسیایی بنگال، کلکته- هند، ۱۸۶۴.
۳۳. نجارزادگان، ۱۳۸۸
۳۴. نوری طبرسی، میرزا حسین، فصل الخطاب، ۱۲۹۸ ق.